



قلمه‌ای بر کلمه



گفتم کجا؟ گفتا به خون
گفتم چه وقت؟ گفتا کنون
گفتم سبب؟ گفتا جنون
گفتم مرو، خندید و رفت

گفتم که بود؟ گفتا که یار
گفتم چه گفت؟ گفتا قرار
گفتم چه زد؟ گفتا شراب
گفتم بمان، نشنید و رفت



قلمه‌ای بر کلمه



قلمه‌ای بر کلمه



بنام خدا

از ابتدایی که به این مجموعه دست نوشته های ناب برخورد کردم، حیرت تمامی وجودم را تسخیر کرده است، ما کجا و اینان کجایند؟
نمیدانم! ما به دنیای اینان راه نداریم و یا اینان از دنیای ما پرکشیده اند؟
روز و سالمان با هم سپری می شد، اما افق نگاهمان، نه!
راستی چرا دنیای خود ساخته ما، با دنیای خدا ساخته آنان، این همه متفاوت است.
نه سن و سال می شناسد و نه هیچ، مهم آنست که همگی اینان بر سرچشمه زلال زندگی آب حیات نوشیده اند و از آنجا که قلبشان برای ما می طپد، جرعه ای برایمان به تبرک نهاده اند.
این مجموعه گلابی است، از گل وجود مردانی که زمانه آنان را “شهید” می شناسد و خالق بی همتا آنان را “شاهد” یاد می کند.
دست نوشته هایی که بیش از آن که قلم زنی باشد، بینش آفرینی است. بینشی که خدا در آن؛ همه، و خود؛ در آن، هیچ است.
شمارا به میهمانی برگی از آخرین ترنم حیات شهدا دعوت می کنم.
برگی که در کنار هر یک از این دست نوشته هاست، می تواند دست نوشته من و تو باشد.
برتخته سفید مقابل هر دست نگار، حس آسمانیان را بنویسد، تا قلمه ای بر کلمه شوید.

مرداد ماه ۱۳۹۶

قلمه ای بر کلمه

قلمه ای بر کلمه



سورهای امام حسینی... ۸	۳۴ ... آرپی جی هفت
اسم من زهرا می باشد... ۱۰	۳۶ ... ۱۴۰۰ تومان بدهکاری
کجایی شهادت... ۱۲	۳۸ ... اذن شهادت
بدهکاری... ۱۴	۴۰ ... رضایت نامه والدین شهید علی رنجبر
توبه نامه... ۱۶	۴۲ ... نامه دختر بچه ای به پدرش در جبهه
آخرین دستور کتبی شهید حاج همت... ۱۸	۴۴ ... علی بیخیال
بسیجی زوال ندارد... ۲۰	۴۶ ... شهادت نامه
جگرم سوخت، آب نیست... ۲۲	۴۸ ... تلگرام محرمانه
امان نامه... ۲۴	۵۰ ... آخرین نوشته ها
کارنامه... ۲۶	۵۲ ... بخشی از خاطرات یک رزمنده
جنگ تمام شد... ۲۸	۵۴ ... حرف گنده تر از دهن
دست نوشته یک شهید گمنام... ۳۰	۵۶ ... نامه شهید متولیان به شهید همت
ابلاغیه شهید آقا مهدی باکری... ۳۲	۵۸ ... نامه دختر یهودی



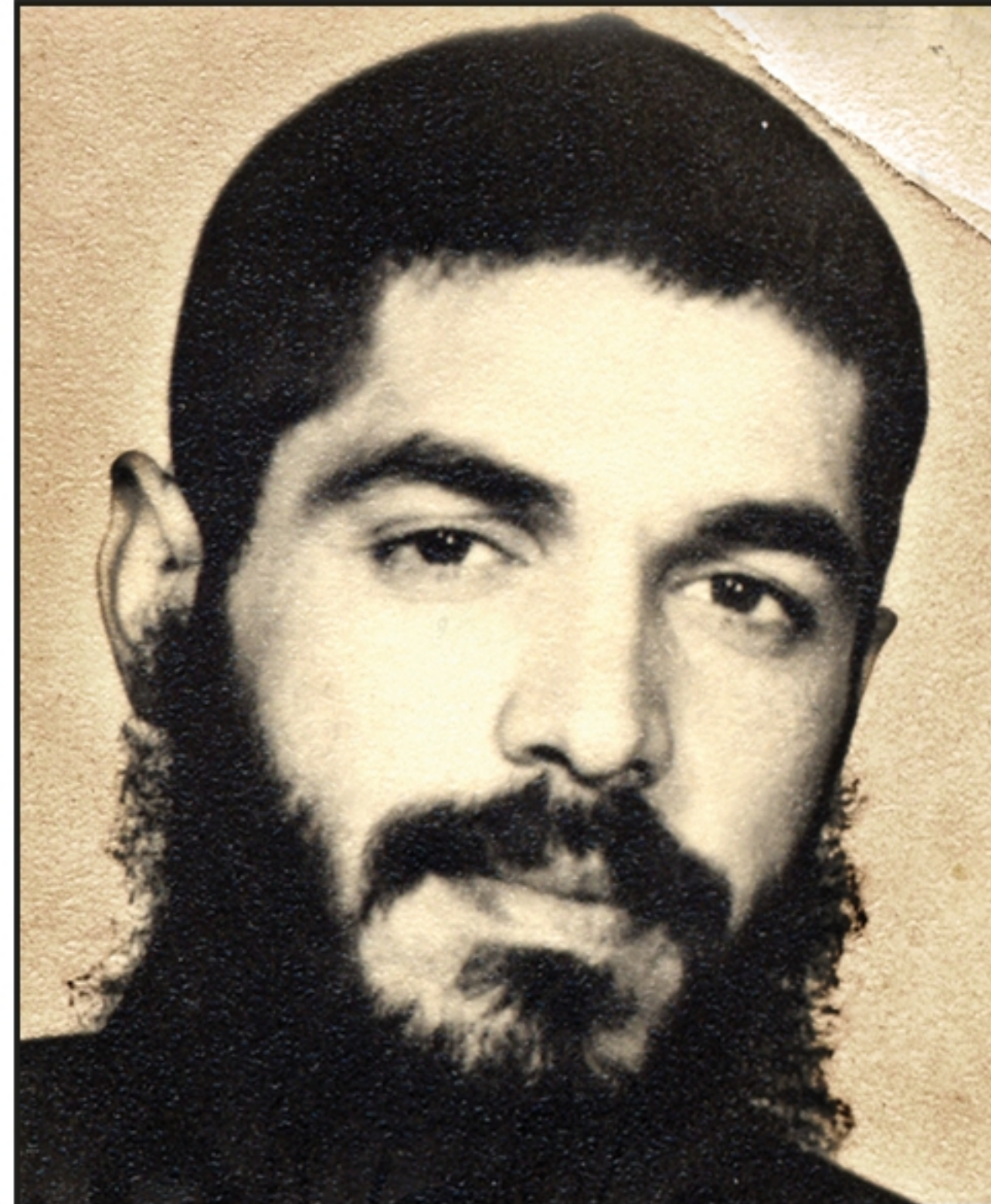
قلمه ای بر کلمه



قلمه‌ای بر کلمه



قلمه‌ای بر کلمه



شهید ابراهیم هادی

فرود: اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۶

محل شهادت: والفجر مقدماتی (در کانال فکه تا قیامت ماند).

فراز: بهمن ماه سال ۱۳۶۱

راستی اینجا به ما خیلی خوش میگذرد چون رزق مؤمنین
دائماً برقرار می باشد رزق مؤمن که می دانید چیست
از همان سوره های امام حسینی است که دائم برقرار
است و ما هم آنرا توی رگ می زنیم که قوت بگیریم
که اگر با دشمن روبرو شدیم با یک مشت به درک
ما صلوات کنیم

والسلام
ابراهیم هادی

راستی اینجا به ما خیلی خوش می گذرد..

چون رزق مؤمنین دائماً برقرار می باشد.

رزق مؤمن که می دانید چیست؟

از همان سوره های امام حسینی است که دائم برقرار است

و ما هم آن را توی رگ می زنیم، که قوت بگیریم

که اگر با دشمن روبرو شدیم.. با یک مشت به درک

واصلشان کنیم!

والسلام

ابراهیم هادی



قلمه‌ای بر کلمه

با سلام به امام زمان علیه السلام
و درود به امام خمینی
سلام به رزمندگان اسلام
اسم من زهرا میباشد این هدیه را
که نان خشک و بادام است برای شما
فرستادم پدرم می خواست جبهه بیاير
ولی او با موتور زیر ماشین رفت
و کشته شد من ۹ سال دارم و نصف
روز مدرسه و نصف دیگر اقالی بافی
میروم مادرم کار میکند ماه نفرستیم پدرم
مردو باید کار کنیم و من ۹۲ روز کار کردم تا

تا برای شما رزمندگان توانستم نان
بفرستم از خدایم خواهم که این هدیه را
از یک یتیم قبول کنید و پس نذر بیدار مرا
کربلا بپیرید آخر من و مادرم خیلی روزه
میگیریم تا خرجی داشته باشیم مادرم خودم
احمد و بتول و تقی برادر کوچک است
سلام می رسانیم فدای نگه دار
شما پاسداران اسلام باشد
۵۲/۱۱/۸

با سلام به امام زمان علیه السلام و درود به امام خمینی

سلام به رزمندگان اسلام
اسم من زهرا می باشد. این هدیه را که نان خشک و
بادام است برای شما فرستادم. پدرم می خواست جبهه
بیايد ولی او با موتور زیر ماشین رفت و کشته شد.
من ۹ سال دارم و نصف روز مدرسه و نصف دیگر را
قالی بافی می روم. مادر کار می کند ما پنج نفر هستیم.
پدرم مرد و باید کار کنیم و من ۹۲ روز کار کردم تا
برای شما رزمندگان توانستم نان بفرستم. از خدا می
خواهم این هدیه را از یک یتیم قبول کنید. و پس ندهید
و مرا کربلا ببرید.
آخر من و مادرم خیلی روزه می گیریم تا خرجی داشته
باشیم. مادرم، خودم، احمد و بتول و تقی برادر کوچک
من سلام می رسانیم.
خدا نگهدار شما پاسداران اسلام باشد.

۱۳۶۲/۱۱/۸

رزمندگان اسلام
این هدیه را از یک یتیم
قبول کنید

قلمه ای بر کلمه



قلمه‌ای بر کلمه



شهید سیدمرتضی آوینی
 فرود: شهریورماه سال ۱۳۲۶
 محل شهادت: فکه در هنگام تفحص پیکر پاک شهیدان
 فراز: ۲۰ فروردین ماه سال ۱۳۷۲

رُدت به خون و تیر و ترکش نیست.
 آن روز که خدا را با همه چیز و در همه چیز دیدیم،
 شهید شده ایم..
 سید مرتضی آوینی (علیه السلام)

شهادت به خون و تیروترکش نیست.
 آن روز که خدا را با همه چیز و در همه چیز دیدیم،
 شهید شده ایم...



قلمه‌ای بر کلمه



به یگان خودمان هم (یک کتانی - دو پتو - .. بدکارم بگوید حلالم کنند)
 یک سطل زباله جلوی گردان بود که یک روز در آن یک کاغذ در حال
 سوختن انداختم که قسمتی از سطل آتشغال سوخت و من مسبب آن بودم
 این مورد را هم خواهشا درست کنید

راه حق یعنی راه خدا را در پیش گیرید

و ثابت قدم باشید تا به خدا برسید

به یگان خودمان هم (یک کتانی - دو پتو و ... بدکارم
 بگویند حلالم کنند)
 یک سطل زباله جلوی گردان بود که یک روز در آن یک
 کاغذ در حال سوختن انداختم که قسمتی از آن
 سطل آتشغال سوخت و من مسبب آن بودم
 این مورد را هم خواهشا درست کنید.
 راه حق یعنی راه خدا را در پیش گیرید
 و ثابت قدم باشید تا به خدا برسید

دست نوشته یک رزمنده



قلمه‌ای بر کلمه



شهید جواد عنایتی

فرود: اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۳
محل شهادت: عملیات کربلای پنج - شلمچه
فراز: دی ماه سال ۱۳۶۵

اینجانب جواد عنایتی در روز یکشنبه
تاریخ ۶۳/۲/۹ در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر توبه کردم
و از این تاریخ به بعد هرگز دنبال گناه نمی روم.

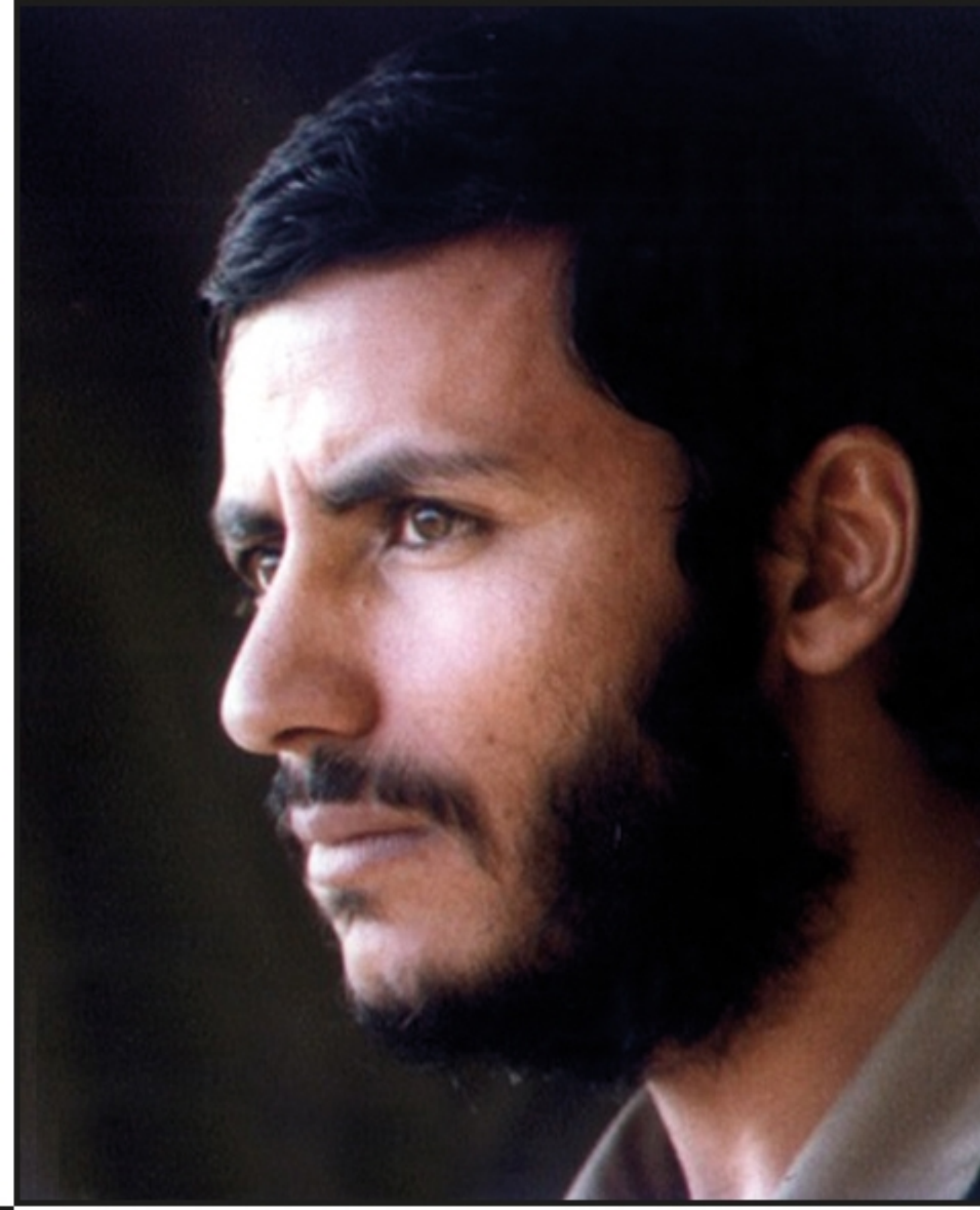
جواد عنایتی
۶۳/۲/۹

اینجانب جواد عنایتی در روز یکشنبه
تاریخ ۶۳/۲/۹ در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر
توبه کردم ~~و از این تاریخ به بعد هرگز دنبال گناه نمی روم~~
و از این تاریخ به بعد هرگز دنبال گناه
نمی روم

جواد عنایتی
۶۳/۲/۹



قلمه‌ای بر کلمه



شهید حاج ابراهیم همت
 فرود: فروردین ماه سال ۱۳۳۴
 محل شهادت: عملیات خیبر (جزیره مجنون)
 فراز: اسفند ماه سال ۱۳۶۲

بسمه تعالی

برادر عبادیان: سلام
 بسیجیان دریادل از پیاده روی زیاد خسته میشوند
 لذا لازم است امشب چند تویوتا + سه یا چهار
 کمپرسی با یک مسئول بفرستید نزد دستواره.
 همچنین وسایل حمل و نقل دو گردان قدس کرج
 را به خط بدهید.

حاج همت
 ۶۲/۱۲/۷

بسمه تعالی
 برادر عبادیان: سلام
 بسیجیان دریادل از پیاده روی زیاد خسته میشوند
 لذا لازم است امشب چند تویوتا + سه یا چهار
 کمپرسی با یک مسئول بفرستید نزد دستواره
 همچنین وسایل حمل و نقل دو گردان قدس کرج
 را به خط بدهید.

حاج همت
 ۶۲/۱۲/۷

آخرین دستور کتبی شهید حاج همت
 ده روز پیش از شهادتش



قلمه‌ای بر کلمه



شهید سپهد علی صیاد شیرازی

فروید: خرداد ماه سال ۱۳۲۳

محل شهادت: ترور منافقین کوردل- تهران

فراز: فروردین ماه سال ۱۳۷۸

بسی زوال
ندارد و جاوید است در اندیشه‌اش تا نیاک، خوش بختان
دعا کنید من که سرباز کوچک مردم هستم نیز بسیجی شوم

من یادش هست
سرتیپ
۷۴/۹/۹

بسیجی زوال

ندارد و جاوید است و آینده اش تابناک، خوشا

بحالتان دعا کنید من که سرباز کوچک اسلام هستم

نیز بسیجی شوم.

و من الله توفیق

سرتیپ صیاد شیرازی

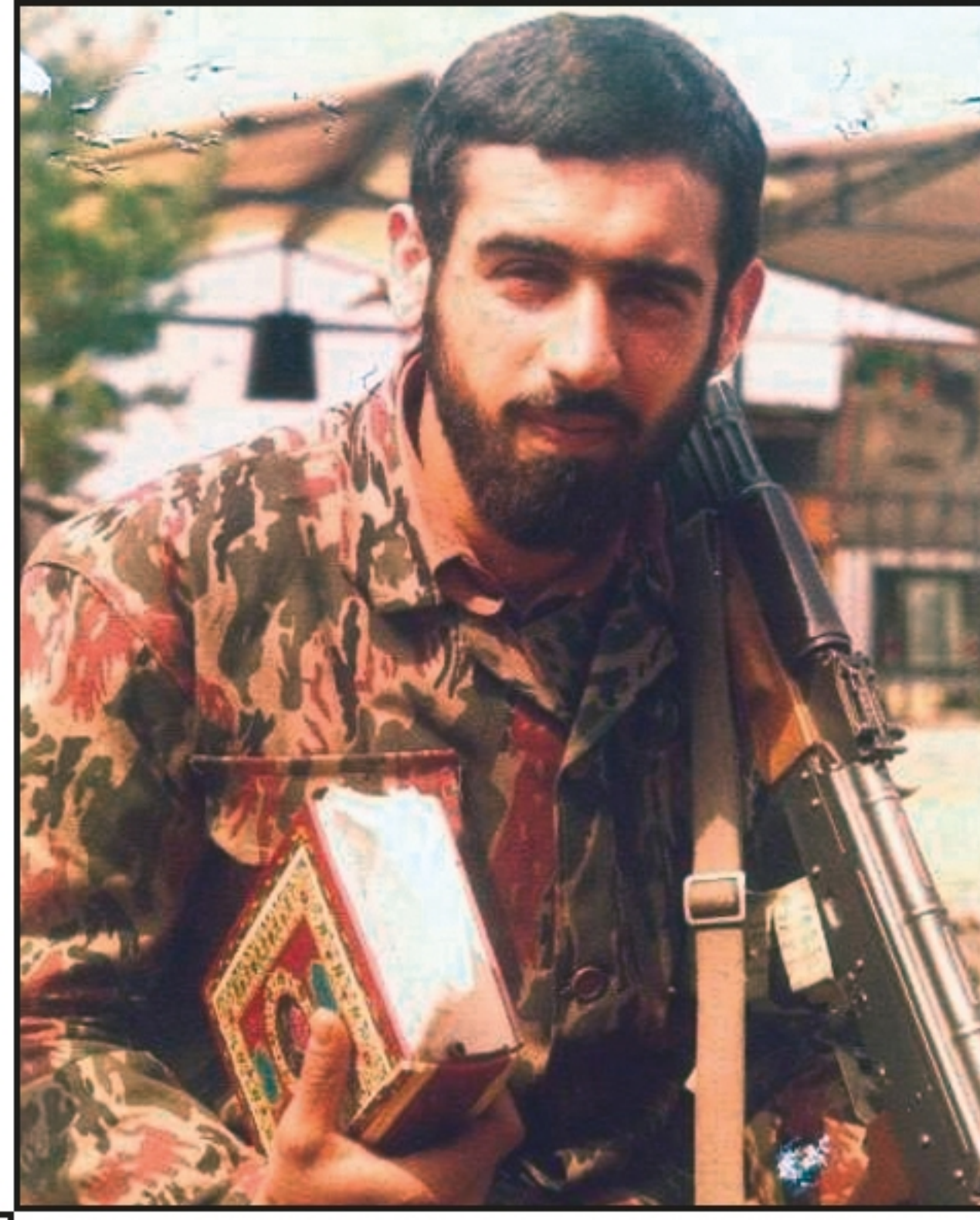
۷۴/۹/۹

کلمه ای بر کلمه

قلمه ای بر کلمه



قلمه‌ای بر کلمه



شهید نعمت الله ملیحی
محل شهادت: عملیات والفجر هشت
فراز: اسفند ماه سال ۱۳۶۴

ماسک و لباس تا حدی دوام دارند جائی که خدا دارد ماسک چه کار؟
من از مرگ وحشت ندارم راستش را بگویید پزشک.
حکمران سوخت آب نیست...

ماسک و لباس تا حدی دوام دارند،
جائی که خدا دارد ماسک چه کار؟
من از مرگ وحشتی ندارم، راستش را بگوئید پزشک.
جگرم سوخت، آب نیست...

آخرین لحظات دردست نوشته او
و حال آنکه از جراحات شیمیایی
می سوخت.



قلمه‌ای بر کلمه



بسم الله الرحمن الرحيم
(پیام)
صادره از ارتش عراق
پروانه عبور

کارت امان و عبور صادرة از ارتش عراق...برادران
ارتشی ایرانی.. ادامه جنگ بی ثمر است...بخودتان و
بخانواده هایتان رحم کنید..و از مرگ و ویرانی و خرابی
نجات یابید...ما از شما دعوت میکنیم که به ما
پیوندید..برادرانتان نیروهای مسلح مسلمان عراق
هرگونه کمک و امنیت را تضمین میکنند..و این کارت
عبور و امان در اختیار شما است از آن استفاده کنید..

بسم الله الرحمن الرحيم
(پیام)
صادره از تش عراق
پروانه عبور

کارت امان و عبور صادرة از ارتش عراق .. برادران
ارتشی ایرانی .. ادامه جنگ بی ثمر است .. بخودتان
وبخانواده هایتان رحم کنید .. واز مرگ و ویرانی و خرابی
نجات یابید .. ما از شما دعوت میکنیم که بما پیوندید ..
برادرانتان نیروهای مسلح مسلمان عراق همه گونه کمک
وامنیت شمارا تضمین میکنند .. واین کارت عبور و امان در
اختیار شما است از آن استفاده کنید ..



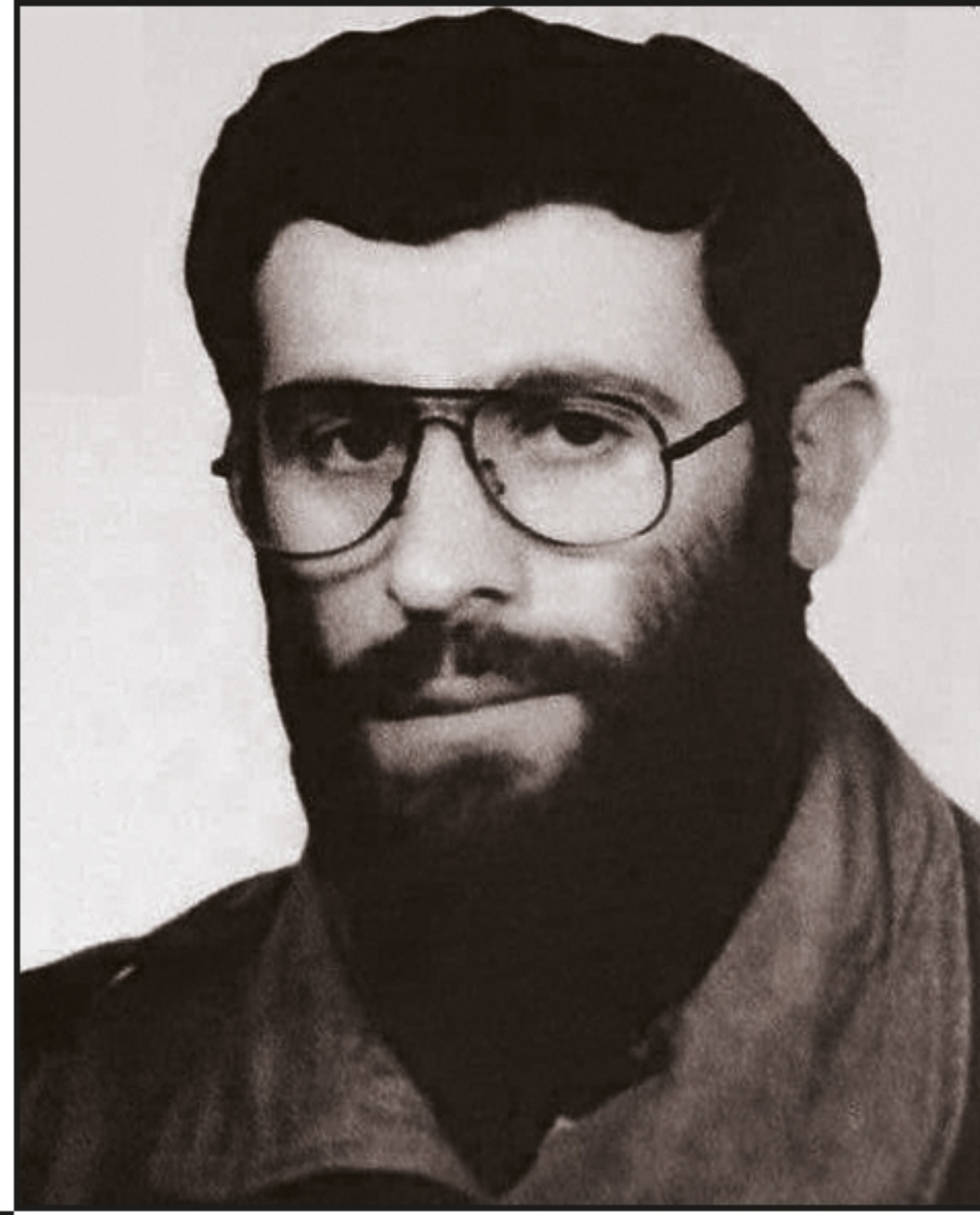
دستور نظامی
وظیفه تمام پرسنل نیروهای مسلح
عراقی و نیروهای امنیت داخل و نیروهای
ارتش ملی است که به حامل این پروانه
کمک کرده و سلامتی او را تضمین و با
بهترین شیوه با او رفتار شود ..
فرماندهی کل
نیروهای مسلح عراق

أمر عسكري
على كافة منتسبي القوات المسلحة
العراقية وقوى الامن الداخلي وقوات
الجيش الشعبي مساعدة حامل البطاقة
و ضمان سلامته ومعاملته بأفضل طريقة
ممكنة .
القيادة العامة
للقوات المسلحة العراقية

نمونه ای از امان نامه هایی است که هلیکوپترهای
بعثی در سال های جنگ در خط مقدم جبهه پخش
می کردند.



قلمه‌ای بر کلمه



شهید عطاالله مقیم پور بیژنی
محل شهادت: عملیات والفجر شش (چزابه)
فراز: اسفند ماه سال ۱۳۶۲

به نام خدا

پدر عزیزم سلام من کارنامه را گرفتم و قبول شدم دلم
برایت تنگ شده زهرا بزرگ شده ما برای تو مجلس گرفتیم
تو کمی میخوای بیایی پدر عزیزم تو کیا هستی پرامرای
ما نامه های نویسدی ما منتظر هستیم تا تو بیایی
من و نرگس سر نماز برای شما دعا می کنیم
تا شما زودتر بیاید ما خیلی ناراحت هستیم
بابای مهربان ما منتظر تو هستیم خدا حافظ
پدر عزیزم فرزندان تو راضیه بیژنی

به نام خدا

پدر عزیزم سلام

من کارنامه ام را گرفتم و قبول شدم. دلم برایت تنگ
شده؛ زهرا بزرگ شده؛ ما برای تو مجلس دعا گرفتیم؛
تو کی می خواهی بیایی؛ پدر عزیزم تو کجا هستی؟
چرا برای ما نامه نمی نویسی؟ ما منتظر هستیم تا تو
بیایی.

من و نرگس سر نماز برای شما دعا می کنیم تا شما
زودتر بیایید. ما خیلی ناراحت هستیم. بابای مهربانم بیا
ما منتظر تو هستیم.

خدا حافظ پدر عزیزم
فرزند تو راضیه بیژنی

راضیه بیژنی دختر هشت ساله ای بود که از شهادت
پدرش خبری نداشت و پیکر مطهر پدرش شهید عطاالله
بیژنی نیز هم اکنون در قله های چیلان دهلران جامانده
است.



قلمه‌ای بر کلمه



جنگ تمام شد...

امروز اسلحه ها و تجهیزات را تحویل داریم
و قرار است که فردا به تهران برویم.
باید کم کم با دوکوه و با جبهه وداع کرد.
آه که چقدر دشوار است وداع با جبهه
وداع با دوکوه و وداع با محیط پاک...

خدایا ما را شهید بمیران.

۶۷/۵/۲۹

جنگ تمام شد...

امروز اسلحه ها و تجهیزات را تحویل
دادیم و قرار است که فردا به تهران برویم.
باید کم کم با دوکوه و با جبهه وداع
کرد.

آه چقدر دشوار است وداع با جبهه
وداع با دوکوه و وداع با محیط پاک

خدایا ما را شهید بمیران
۶۷/۵/۲۹

دست نوشته یک رزمنده



قلمه‌ای بر کلمه



دیشب رفتیم تا همسایگی خدا
کلید خونه خدا قرآن بود
هر کی قرآن رو سرش رفت
سایه نشین رحمت بی منتها شده بود
سنگر شاهد چندتا حادثه شد
دلا دست به دست گشت
چشما بارونی، دستا کاسه آب
خلاصه انگار کاسه ای زیر نیم کاسه هست
بهانه کرده بود ببخشد، کار خود شو کرد
حرف نداره کارش
فکر کنم امشب سنگرمون مسافر داره
سنگر کمین هشتم خرداد ۶۵
بیست و یکم رمضان

دست نوشته یک شهید گمنام

دیشب رفتیم تا همسایگی خدا
کلید خونه خدا قرآن بود
هر کی قرآن رو سرش رفت
سایه نشین رحمت بی منتها شده بود
سنگر شاهد چندتا حادثه شد
دلا دست به دست گشت
چشما بارونی، دستا کاسه آب
خلاصه انگار کاسه ای زیر نیم کاسه هست
بهانه کرده بود ببخشد، کار خود شو کرد

حرف نداره کارش
فکر کنم امشب سنگرمون
سنگر کمین هشتم خرداد ۶۵
بیست و یکم رمضان

کلمه ای بر کلمه

قلمه ای بر کلمه



قلمه‌ای بر کلمه



شماره ۵۶۷۱۸۸
تاریخ ۷۴/۱/۱۴
پیوست

جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

گزارش محرم

قابل توجه کلیه فرماندهان و مسئولین واحدها،
سلام علیکم، گرچه خودتان آشنا به موارد ~~مشکلات~~ هستید ولی چون
اکثرا در نامه های برادران بسیجی نوشته میشود لازم دانستم مجددا
متذکر شوم.

۱- بعد از همه نیروها غذا بگیری، کمتر و دقیقاً هم نوع آنها باشد.
۲- در داشتن وسایل چادر و پتو و غیره فرقی با بقیه نداشته باشید.
۳- در داشتن مواد غذایی، کمپوت و میوه و چای و غیره همانند
بلكه کمتر از بقیه باشید.
۴- در گرفتن لباس و پوشاک و کفش کمتر از بقیه داشته باشید.
۵- اولین کسی باشید که در اول وقت در صف مقدم نماز و دعاها
مسی باشند.
۶- مراسم بزرگداشت و ترحیم و ... برای شخصیت ها و شهدا
و غیره بگیرید و فعالانه شرکت کنید.
۷- در توجیه مسائل به نیروها جهت روشن شدن نسبت به مسائل
کوتاهی نکنید که عدم توجیه موجب بوجود آمدن خملی از
ابهامات و مشکلات است.

ف. م. ۳۱ عاشورا
لشکر باکری

بسمه تعالی

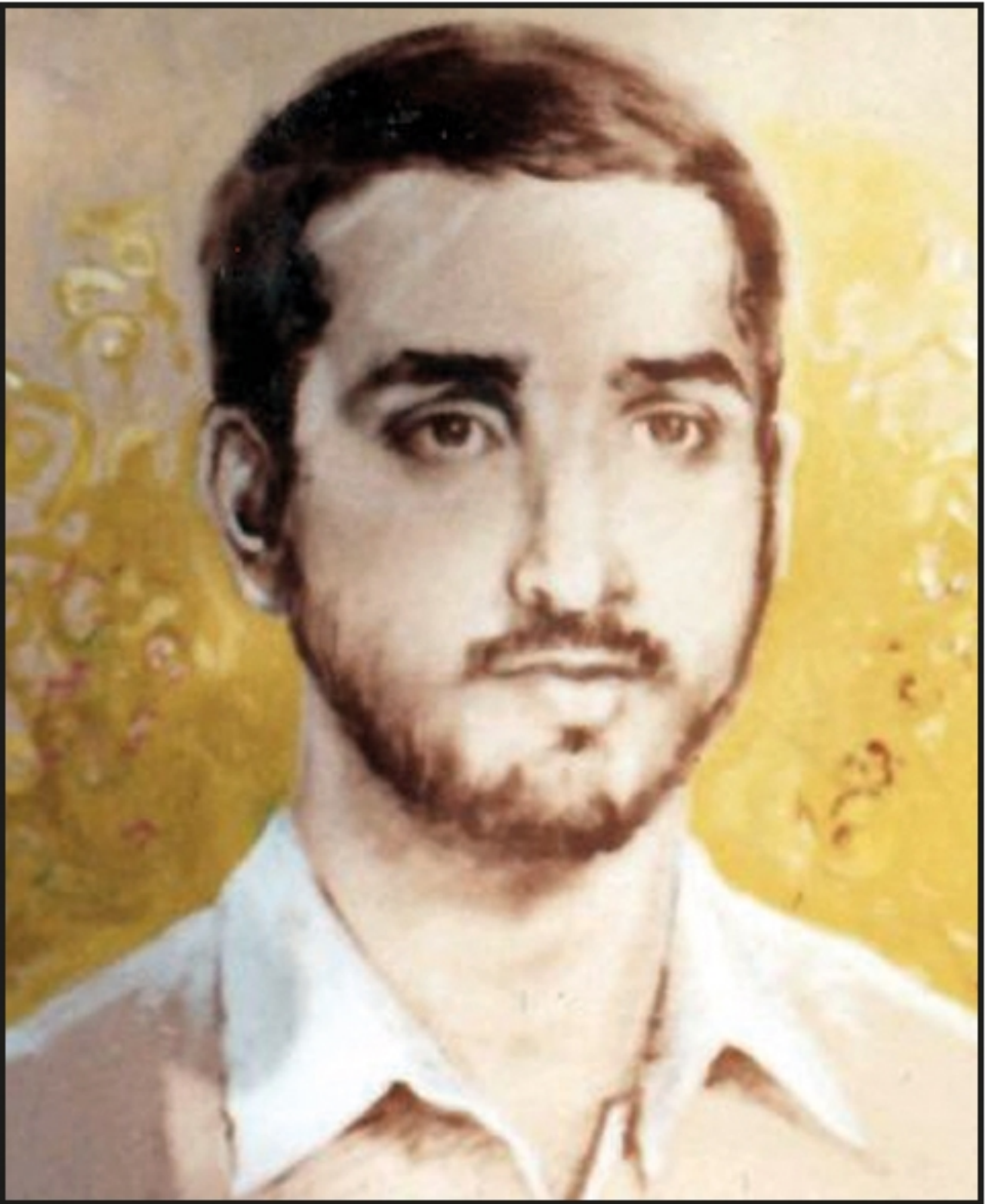
قابل توجه کلیه فرماندهان و مسئولین واحدها،
سلام علیکم، گرچه خودتان آشنا به موارد ذیل گردان محرم
هستید ولی چون اکثرا در نامه های برادران بسیجی نوشته میشود
لازم دانستم مجددا متذکر شوم.

۱- بعد از همه نیروها غذا بگیری و کمتر و دقیقاً هم نوع آنها باشد.
۲- در داشتن وسایل چادر و پتو و غیره فرقی با بقیه نداشته باشید.
۳- در داشتن مواد غذایی، کمپوت و میوه و چای و غیره همانند
بلکه کمتر از بقیه باشید.
۴- در گرفتن لباس و پوشاک و کفش کمتر از بقیه داشته باشید.
۵- اولین کسی باشید که در اول وقت در صف مقدم نماز و دعاها
می باشد.
۶- مراسم بزرگداشت و ترحیم و ... برای شخصیت ها و شهدا
و غیره بگیرید و فعالانه شرکت کنید.
۷- در توجیه مسائل بع نیروها جهت روشن شدن نسبت به مسائل
کوتاهی نکنید که عدم توجیه موجب بوجود آمدن خیلی از
ابهامات و مشکلات است.

ابلاغیه شهید آقا مهدی باکری فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا
به نیروهای تحت امرش ۱۳۶۲/۱/۱۲



کلمه‌ای بر کلمه



شهید سید محمد امیری مقدم
فرود: شهریور ماه سال ۱۳۴۵
محل شهادت: عملیات بیت المقدس دو (ماووت عراق)
فراز: دی ماه سال ۱۳۶۵

محل کشتن
امروز پای خاکریز دوتا از گلوله های
آرپی جی به هدف نخورد.
حقوق این ماه هم محال نیست.
بخشید...

حلال کنید
امروز پای خاکریز دوتا از گلوله های آرپی جی
به هدف نخورد.
حقوق این ماه هم حلال نیست.
بخشید...

بیت المقدس

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

قبض دریافت صندوق

شماره ۷۵۶

دریافتی از برادر محترم امیر مقدم

مبلغ به حروف هزار و سیصد و پنجاه و یک تومان

بابت برگشت حقوق

مبلغ به عدد ۱۱۱۰۵

دریافت کننده

نام و نام خانوادگی

امضاء

شماره صفحه صندوق	شماره سند حسابداری	کنترل دفتر صندوق

شماره ثبت (۲۸۶ - ۳۴۴ - ۶۱۳۳۲۷ - ۲۰۰۰۰۰)

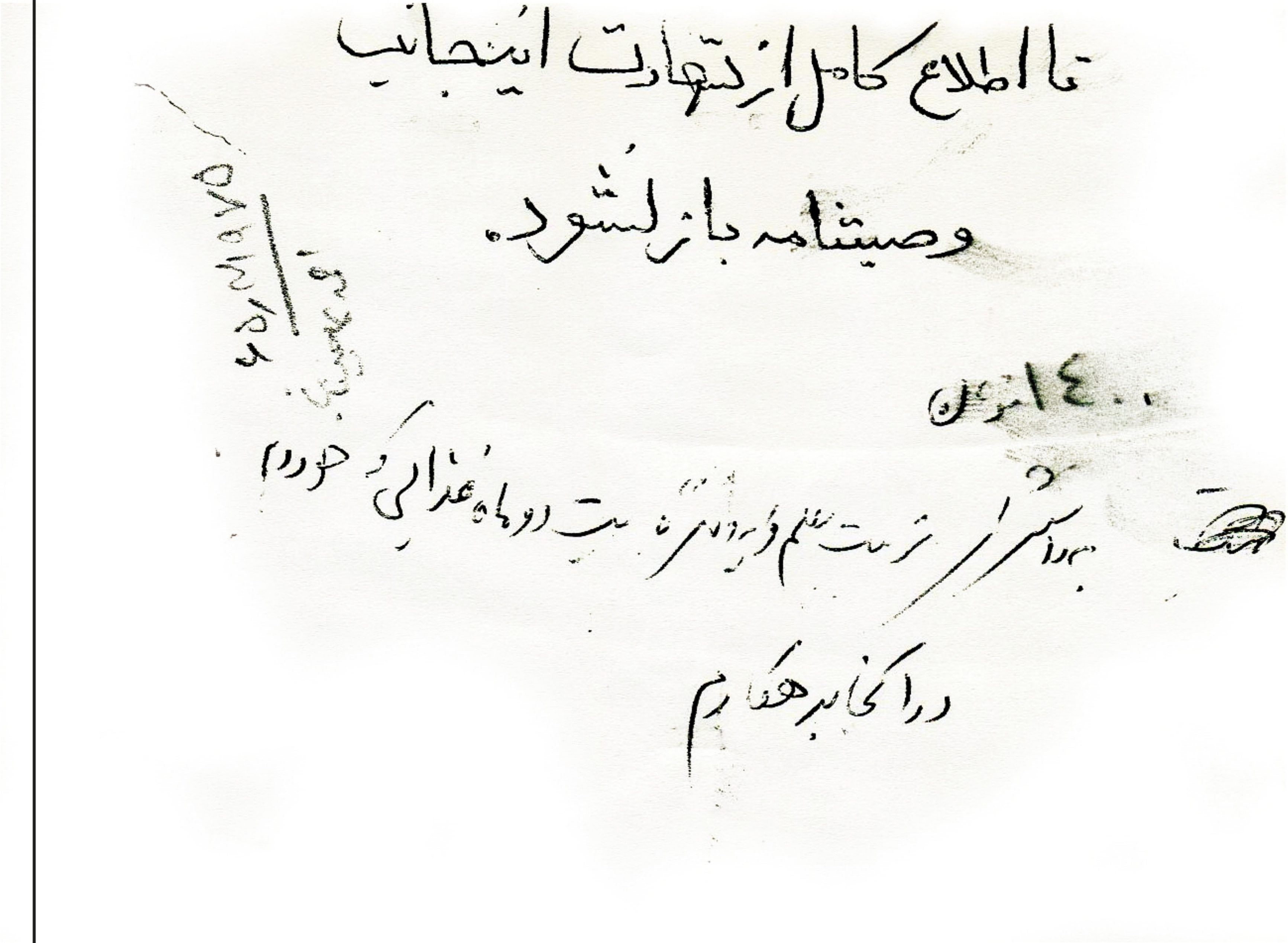
فیش برگشت حقوق چهارصد تومانی
شهید سید محمد امیری مقدم به سپاه
۱۷ اسفند ۱۳۶۴



کلمه‌ای بر کلمه



شهید احمدلچینانی
فروود: ۱۳۳۵
فراز: ۱۳۶۵ شلمچه کربلای ۵



تا اطلاع کامل از شهادت اینجانب
وصیتنامه باز نشود.

۱۴۰۰ تومان به دانشسرای تربیت معلم....
بابت دوماه غذایی که خوردم در آنجا بدهکارم.



کلمه‌ای بر کلمه



شهید حاج هوشنگ ورمقانی

فروود: ۱۳۳۸

فراز: ۱۳۷۵ محور سقز در کمین نیروهای ضدانقلاب

پدر بزرگوار شهید ورمقانی می‌خواستند به زیارت خانه‌ی خدا مشرف شوند شهید ورمقانی پاکتی را به ایشان می‌دهد، این عبارت را در نامه شهید ورمقانی مشاهده می‌کند:

پدر عزیزم دعا کنید که خداوند سال ۷۵ را سال شهادت من قرار دهد اگر دعا نکنید مدیون هستم.

التماس دعا

امام و رهبر عزیز و شهدا را فراموش نکنید.

بسم الله
پدر عزیزم دعا کنید که خداوند سال ۷۵
سال شهادت من قرار دهد اگر دعا نکنید
مدیون هستم
والله اعلم
(امام و رهبر عزیز و شهدا را فراموش نکنید)

این گونه بود که شهید در همان سال به آرزوی همیشگی خود یعنی دیدار حضرت حق نایل شد.



کلمه‌ای بر کلمه



رضایت نامه والدین شهید علی رنجبر

بسمه تعالی

اینجانب والدین علی رنجبر گواهی میدهند که فرزند صدیق را فدای اسلام و رهبر عزیز بکنند. مگر ما از آن پدر و مادری که فرزند خود را کفن می پوشد و دست او را می گیرد و به طرف سپاه می برد و به آنها می گوید که این فرزند ناقابل من هم به جبهه حق علیه باطل ببرید تا فدای اسلام و رهبر بشود فرق داریم؟ مگر ما از آقای که فرزندش را همچون احمد را فدای اسلام می کند فرق می کنیم؟ مگر امام حسین نبود که فرزندش را چون علی اکبر آن نوجوان ۱۴ ساله را فدای اسلام کرد، مگر از آنها فرق می کنیم.

والسلام

بسمه تعالی

اینجانب والدین علی رنجبر گواهی میدهند که فرزند صدیق را فدای اسلام و رهبر عزیز بکنند. مگر ما از آن پدر و مادری که فرزند خود را کفن می پوشد و دست او را می گیرد و به طرف سپاه می برد و به آنها می گوید که این فرزند ناقابل من هم به جبهه حق علیه باطل ببرید تا فدای اسلام و رهبر بشود فرق داریم؟ مگر ما از آقای که فرزندش را همچون احمد را فدای اسلام می کند فرق می کنیم؟ مگر امام حسین نبود که فرزندش را چون علی اکبر آن نوجوان ۱۴ ساله را فدای اسلام کرد، مگر از آنها فرق می کنیم.

والسلام

اینجانب علی رنجبر
حسن رنجبر
میرم



قلمه‌ای بر کلمه

نامه دختر بچه ای به پدرش در جبهه

بسم الله الرحمن الرحيم
 بابا جان سلام حال شما خوب است.
 من دارم درس خودم را خیلی خوب یاد می گیرم.
 برای اینکه باسواد شوم و چشم آمریکا را در بیاورم.
 سلام من را به همه رزمندگان اسلام برسان.
 دورد بر همه شهدان و دایی رضای من
 و سلام به امام زمان و امام خمینی.
 بابای ، عاطفه کمی راه می رود، دو دندان دارد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسم الله الرحمن الرحيم
 بابا جان سلام حال شما خوب است.
 من دارم درس خودم را خیلی خوب یاد می گیرم.
 برای اینکه باسواد شوم و چشم آمریکا را در بیاورم.
 سلام من را به همه رزمندگان اسلام برسان.
 دورد بر همه شهدان و دایی رضای من
 و سلام به امام زمان و امام خمینی.
 بابای ، عاطفه کمی راه می رود، دو دندان دارد.
 خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار



قلمه‌ای بر کلمه



شهید علی حیدری
فرود: اوّل فروردین ۱۳۴۴ - مریوان
فراز: عملیات بدر - اسفند ماه ۱۳۶۳

با عرض سلام
خدمت بچه های توباغ

بسمه تعالی
خودتان را پیدا کنید و آنگاه از خود فرار کنید
و به دریا برسید.

الحقیر الفقیر الخطاط
علی بی خیال
۶۲/۸/۱۱

بسمه تعالی
خودتان را پیدا کنید و آنگاه از
خود فرار کنید و به دریا برسید.

الحقیر الفقیر الخطاط
علی بی خیال
۶۲/۸/۱۱

پای درس استاد اخلاق ۱۹ ساله

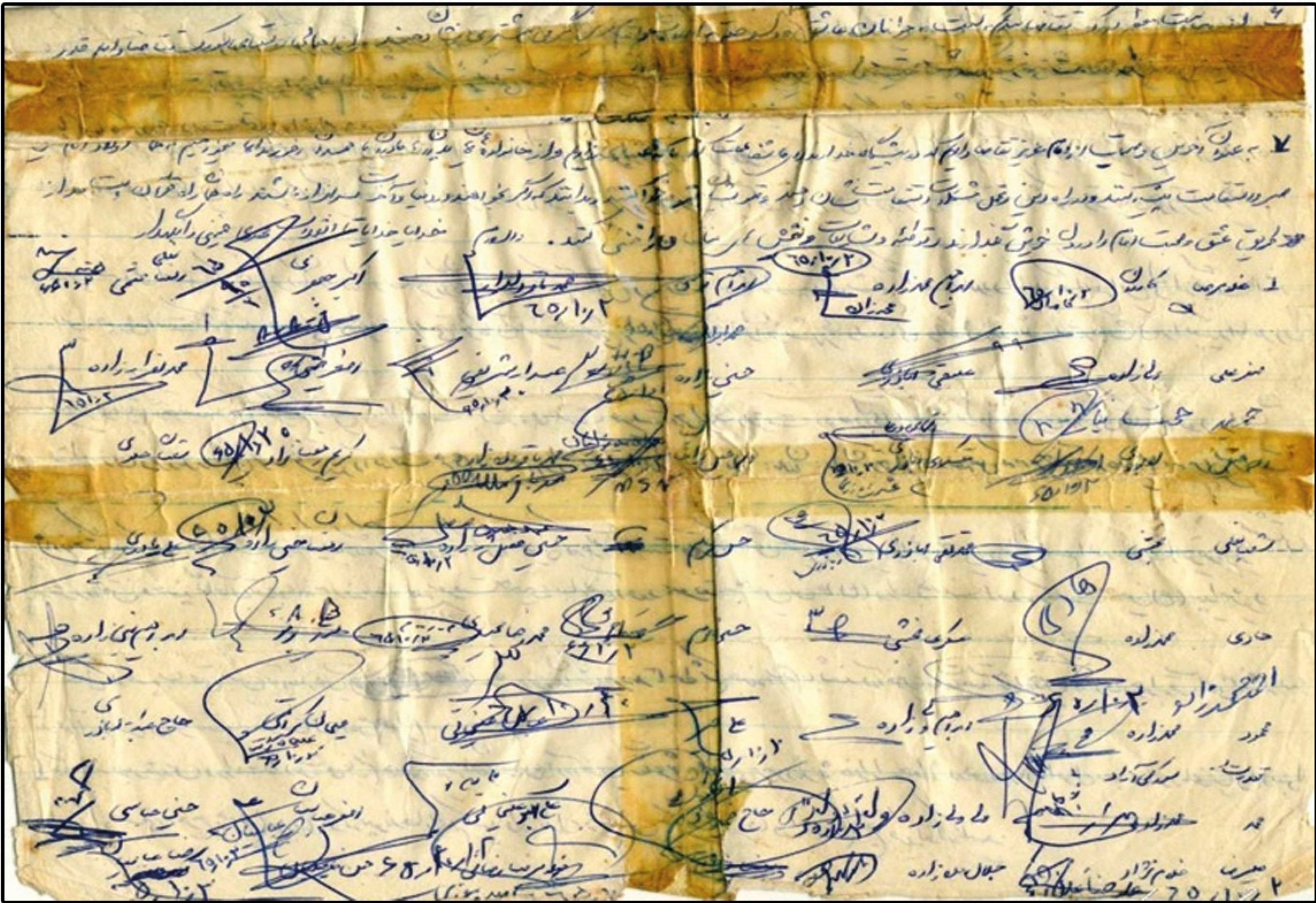


قلمه‌ای بر کلمه



شهادت نامه

شهادت نامه ای که ۵۰ نفر از غواصان در
عملیات کربلای چهار از روستای سورک پای
آن را امضا کرده اند.





قلمه‌ای بر کلمه

از سالک مقدار
به عسکر عمار
درباره درگیری

۸۳-۴۳/۱-۲۰۷
۶۲/۸/۱۴

نقشه به تفنگداران

بدینوسیله به استحضار میرساند که در ساعت ۱۴۲۸ آبپاش حلزون
بسمت سالک میآمد که چهارپایه پاکدام بطرف حلزون در ۲۵۰ درجه غربه
۲۲ کیلومتری ارتفاع ۴ کیلومتر پرتاب و چهارپایه حلزون نابود شد

مراتب جهت آگاهی و هرگونه اقدام بعرض میرسد

فرمانده سران منطقه
کمراند سران منطقه
ساعت ۱۵۴۷
۲۷۷

فرمانده سران منطقه
تقریباً به تفنگداران
بجوهر ۸۲۲

تلگرام محرمانه

از سالک مقدار
به عسکر عمار

درباره درگیری

بدینوسیله باستحضار میرساند که در ساعت ۱۴/۲۸
آبپاش حلزون بسمت سالک میاید که چهارپایه
پاکدام بطرف حلزون در ۲۵۰ درجه غربی بفاصله
۲۲ کیلومتری ارتفاع ۴ کیلومتر پرتاب و چهارپایه
حلزون نابود شد.

مراتب جهت آگاهی و هر گونه اقدام بعرض میرسد.
فرمانده سایت مقدار سروان کیایی



قلمه‌ای بر کلمه



شهید جمال موحدی فرد

فرد: شهریورماه سال ۱۳۴۰

محل شهادت: عملیات والفجر یک (مهران)

فراز: تیرماه سال ۱۳۶۵

آخرین نوشته ها

بسمه تعالی
رفتیم دم خاکریز عراق با اونها جنگیدیم. این تکه را
احمد کیایی سرود و من نوشتم. الآن ساعت حدود
یک نیمه شب، دوشنبه یا صبح سه شنبه می باشد که
ما در پای کار منتظر سقوط خط اصلی دشمن هستیم
تا مرحله دوم را ادامه دهیم. اینجا به تمام وجودمان
خاک راه کربلا نشسته است. زیرا از اینجا تا کربلا
حدود صد کیلومتر بیشتر راه نیست.

جانم به قربانت حسین
محتاج احسانت حسین
لطفی به مهمانت حسین
اگر می شد ما هم جزو... بودیم چه می شد.

جمال موحدی فرد
۶۵/۴/۱ ساعت یک
یا مهدی

گروه نوکها
به تکیه
رفتیم دم خاکریز عراق با اونها جنگیدیم
(این تکه را احمد کیایی سرود و من نوشتم)
الآن ساعت حدود یک نیمه شب دوشنبه یا صبح سه شنبه
ما در پای کار منتظر سقوط خط اول دشمن هستیم
تا مرحله دوم را ادامه دهیم. اینجا به تمام وجودمان خاک
راه کربلا نشسته است. زیرا از اینجا تا کربلا حدود
صد کیلومتر بیشتر راه نیست. جانم قربانت
حسین. محتاج احسانت حسین. لطفی به
مهمانت حسین.
اگر می شد که ما هم جزو... بودیم چه می شد.

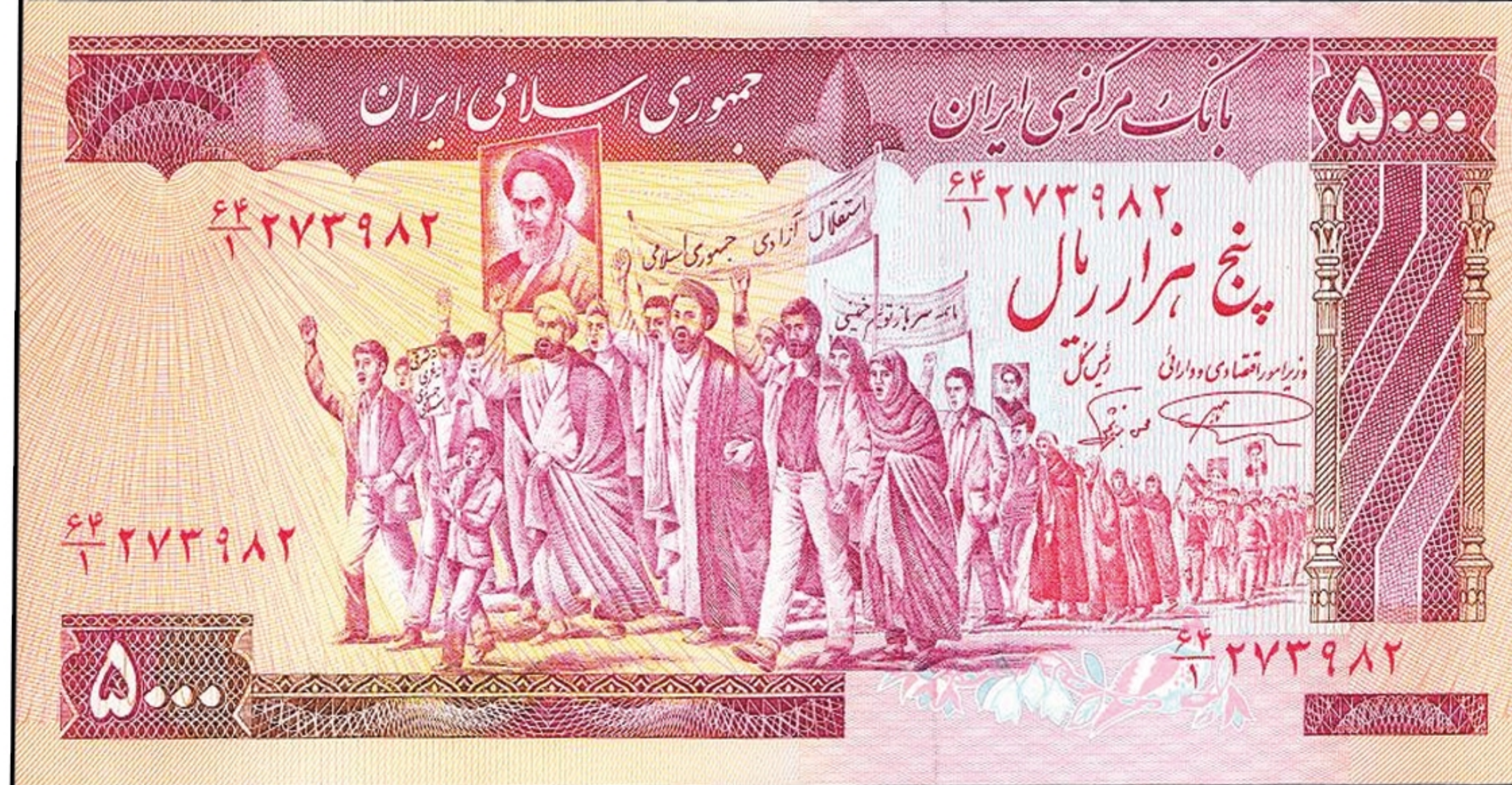
۶۵/۴/۱ جمال
ساعت یک یا مهدی

کلمه ای بر کلمه

قلمه ای بر کلمه



قلمه‌ای بر کلمه



امروز روز اعزام است
 بابام باهام قهر کرده است
 چرا درس نمی خوانی و جبهه می روی
 دیشب پانصد تومان بهم داد
 اگه زنده برگردم و حتی اگر برگردم
 سربلندش می کنم، قول می دهم.

سعید
 ۶۴/۱۲/۲۷

امروز روز اعزام است
 بابام باهام قهر کرده است
 چرا درس نمی خوانی و جبهه می روی
 دیشب پانصد تومان بهم داد
 اگه زنده برگردم و حتی اگر برگردم
 سربلندش می کنم، قول می دهم.
 سعید ۶۴/۱۲/۲۷

بخشی از خاطرات یک رزمنده



کلامه ای بر کلام



شهید مدافع حرم مهدی صابری
فرمانده گروهان علی اکبر تیپ فاطمیون
فراز: اسفند ماه ۱۳۹۳، تل قرین (سوریه)

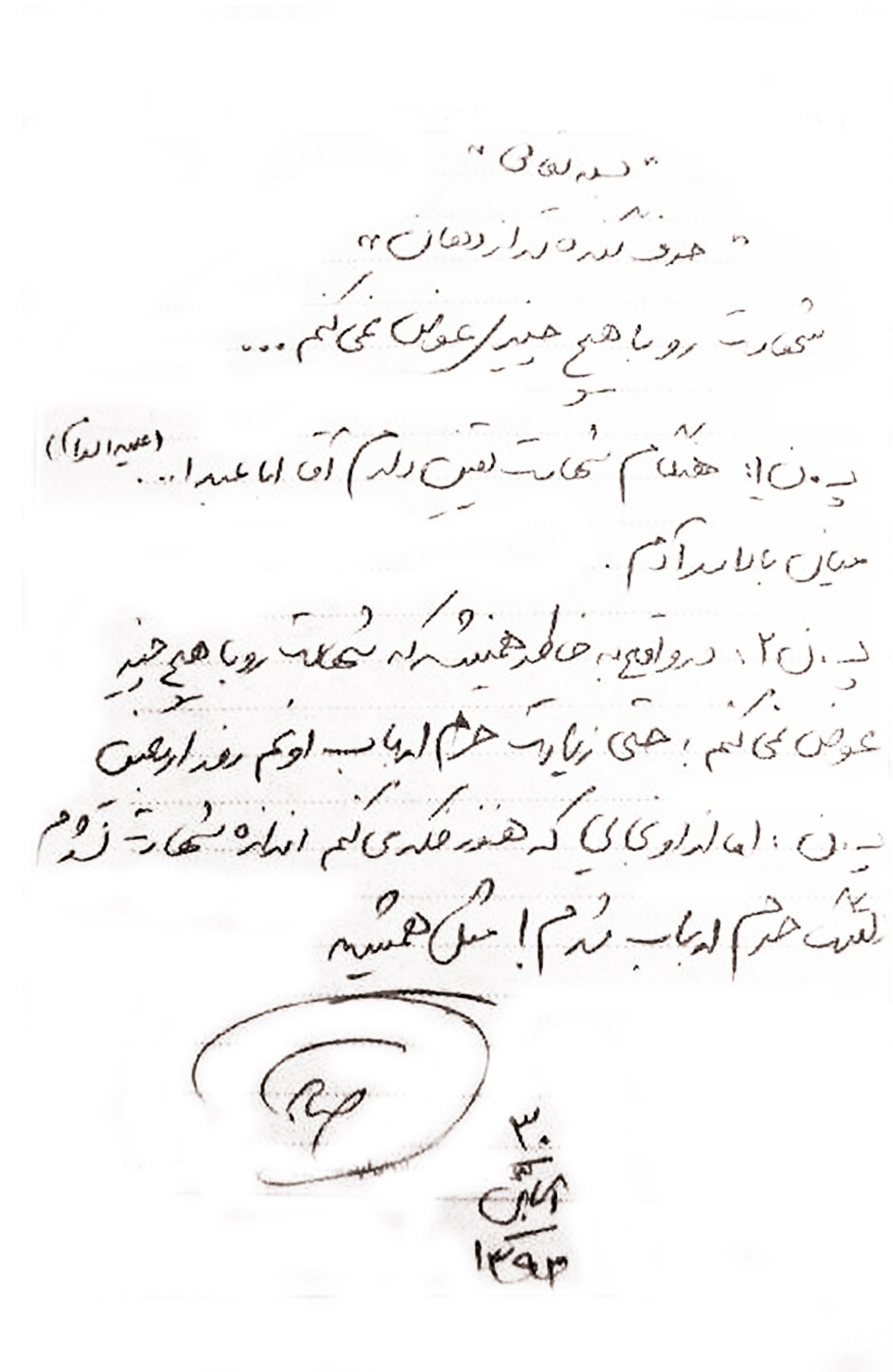
بسمه تعالی

“حرف گنده تر از دهن”
شهادت رو با هیچ چیزی عوض نمی کنم....

پ.ن: ۱: هنگام شهادت یقین دارم آقا ابا عبد... (علیه السلام)
میان بالای سر آدم.

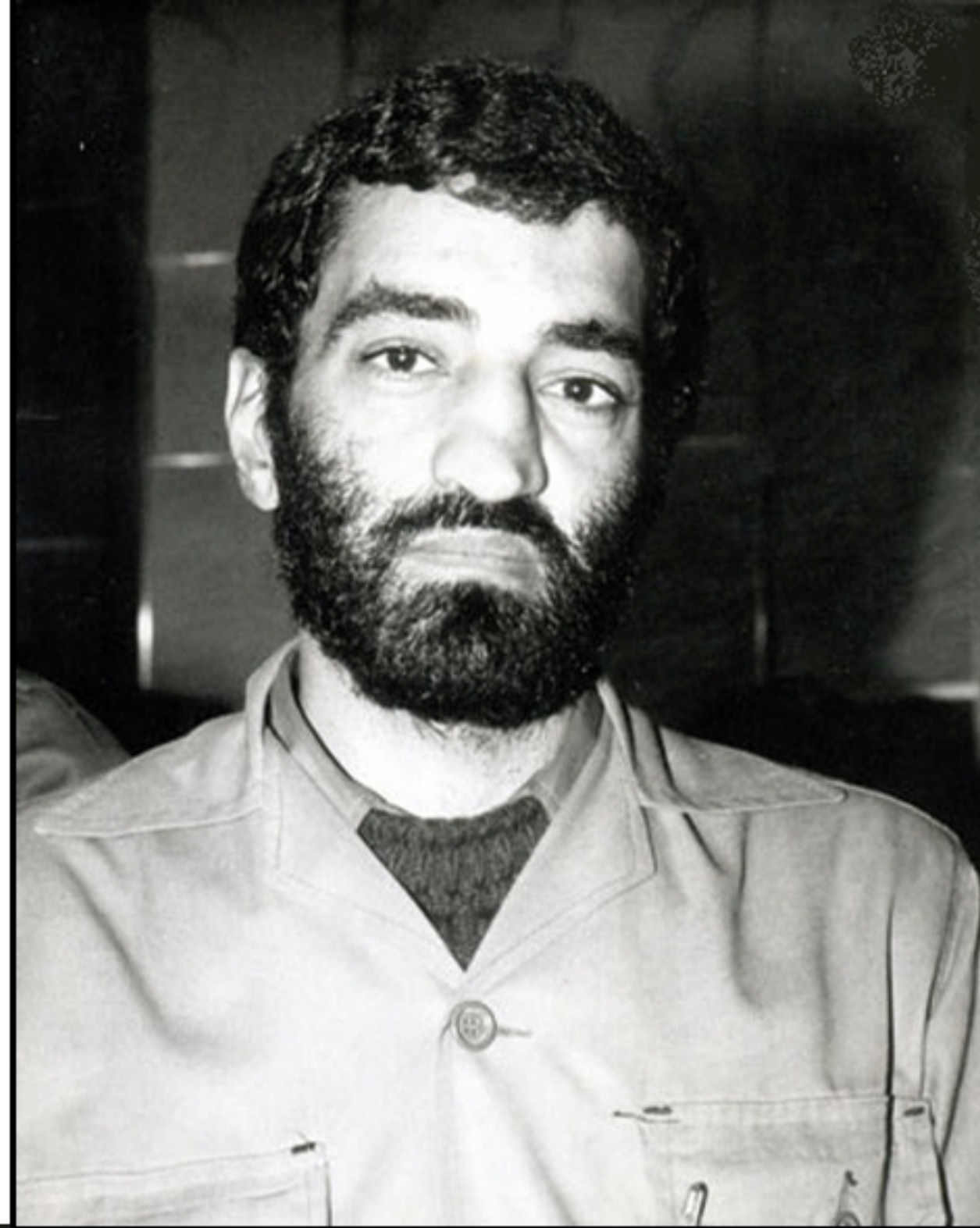
پ.ن: ۲: در واقع به خاطر همینکه که شهادت رو با هیچ چیز
عوض نمی کنم. حتی زیارت حرم ارباب اونم روز اربعین.
پ.ن: اما از اونجایی که هنوز فکر می کنم اندازه شهادت
نشدم، دلتنگ حرم ارباب شدم! مثل همیشه.

۳۰ ابان ۱۳۹۳





قلمه‌ای بر کلمه



جاويد الاثر محمد متوسليان

فرود: ۱۳۳۲ در تهران

فراز: اسارت در لبنان ۱۳۶۱

برادر همت
سلام عليكم

از خداوند متعال می خواهم که به مسلمانان صبر و ثبات
قدم و استواری در راهش عطا کند. یدالله مع الصابرين
استدعامند است وسایل و مهمات و سلاحهایی را که در
روز عملیات توسط آمبولانس این سپاه به آنجا تخلیه
شد و همراه با اسرا را به برادر رضا غزلی تحویل دهید
که به مریوان بیاورند.
ضمناً استدعامند است جهت بررسی هرچه بیشتر
عملیات به مریوان بیایید، شاید تا زود است با همفکری
بتوانیم کاری انجام دهیم. والسلام

بن الله ته فین
توسلیان
۶۰/۱۰/۱۴

برادر همت
سلام عليكم

از خداوند متعال می خواهم که به مسلمانان صبر و ثبات
قدم و استواری در راهش عطا کند. یدالله مع الصابرين
استدعامند است وسایل و مهمات و سلاحهایی را که در
روز عملیات توسط آمبولانس این سپاه به آنجا تخلیه
شد و همراه با اسرا را به برادر رضا غزلی تحویل دهید
که به مریوان بیاورند.

ضمناً استدعامند است جهت بررسی هرچه بیشتر
عملیات به مریوان بیایید، شاید تا زود است با همفکری
بتوانیم کاری انجام دهیم. والسلام

ومن الله توفیق

متوسلیان

۶۰/۱۰/۱۴

کلمه ای بر کلمه

قلمه ای بر کلمه



قلمه‌ای بر کلمه

نامه دختر یهودی

به کنگره سرداران و شهیدان استان فارس

من پردیس ساعور یک دختر ایرانی کلیمی هستم.
ما در جامعه کلیمی خودمان هم یک شهید داریم بنام
اسحاق تیزابی و خیلی به او افتخار می کنیم.
از شما انتقاد دارم که چرا عکس شهید ما را توی شهر نمی
زنند؟

امروز ما آسایش و راحتی خودمان را مدیون شهدا هستیم
وقتی با خیال راحت به پارک و سینما و تفریح بریم می
دونیم که خون پاک آنها که به زمین ریخته باعث آسایش
امروز ما شده.

وقتی عکس شهدایی مثل شهید هاشم اعتمادی و محمد
اسلامی نسب را روی دیوار چهارراه پارامونت می بینم با
اونا حرف می زنم و بهشون می گم که من چقدر دوششون
دارم و بهشون قول دادم که همانطور که شما از ما دفاع
کردید منم از خون شما پاسداری می کنم.

چند سوره قرآن را نیز از حفظم و برای شهدا می خوانم.
دستان کوچکم را به آسمان بلند می کنم و از خدای شهدا
می خوام که به من نیرویی بده که بتونم با خوب بودنم
برای میهنم دل آنها را شاد کنم.

دختر شما پردیس ساعور

من پردیس ساعور یک دختر ایرانی کلیمی هستم.
ما در جامعه کلیمی خودمان هم یک شهید داریم بنام
اسحاق تیزابی و خیلی به او افتخار می کنیم.
از شما انتقاد دارم که چرا عکس شهید ما را توی
شهر نمی زنند؟

امروز ما آسایش و راحتی خودمان را مدیون شهدا
هستیم وقتی با خیال راحت به پارک و سینما و
تفریح بریم می دونیم که خون پاک آنها که به
زمین ریخته باعث آسایش امروز ما شده.

وقتی عکس شهدایی مثل شهید هاشم اعتمادی و
محمد اسلامی نسب را روی دیوار چهارراه پارامونت
می بینم با اونا حرف می زنم و بهشون می گم که من
چقدر دوششون دارم و بهشون قول دادم که همانطور
که شما از ما دفاع کردید منم از خون شما پاسداری
می کنم.

چند سوره قرآن را نیز از حفظم و برای شهدا می خوانم.
دستان کوچکم را به آسمان بلند می کنم و از خدای
شهدا می خوام که به من نیرویی بده که بتونم با
خوب بودنم برای میهنم دل آنها را شاد کنم.

دختر شما پردیس ساعور





قلمه‌ای بر کلمه



قلمه‌ای بر کلمه